

نقد ترجمه های فارسی آیه ۱۱۰ سوره یوسف

محمد رضا ستوده نیا^۱

فاطمه طائبی اصفهانی^۲

چکیده

این مقاله به بررسی ترجمه های فارسی آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ» (یوسف، ۱۱۰) می پردازد. بیش از ۴۰ ترجمه فارسی و تفسیر مورد بررسی قرار گرفته و چهار دسته ترجمه از آنها به دست آمده است. سپس با استفاده از قراین، شواهد و دلایل کلامی، روایی و اختلاف قراءات، ضعف ترجمه دسته سوم مبنی بر «گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد» تبیین شده است. همچنین در بررسی ترجمه ها به این نتیجه دست یافتیم که اختلاف در قرائت واژه «كُذِّبُوا» سبب اختلاف ترجمه های فارسی آیه شده است. مطالعات نشان می دهد که نه تنها ترجمه دسته سوم، سازگار با هیچیک از وجوه قراءات نیست بلکه با اعتقاد به عصمت انبیاء الهی نیز مخالف است. در این مقاله ضمن نقد متن و سند شواهد روایی موید ترجمه های دسته سوم، ترجمه هایی که به نظر راجح اند معرفی می شوند.

کلید واژه ها: اختلاف قرائت، ترجمه قرآن، سوره یوسف، عصمت

bayanelm@yahoo.com

۱. استاد یار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۴

در دهه‌های اخیر، ترجمه قرآن و رویکردهای منتقدانه به آن، با گسترش وسیعی رو به رو شده است، در کنار نشر ترجمه‌های ارزشمند، مقالات فراوانی به نقد ترجمه‌های موجود یا کهن پرداخته‌اند که برای مترجمان بسیار سودمند است و آنان را هر چه بیشتر از لغزش‌ها دور نگاه خواهد داشت. در این پژوهش به بررسی ترجمه‌های موجود از آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ» پرداخته شده است و چهار مفهوم کلی از آنها به دست می‌آید که به نقد و بررسی آنها پرداخته خواهد شد در راستای تحقق هدف مذکور ترجمه‌ها، تفاسیر و اختلاف قرائت این آیه بررسی می‌شود و از آنجا که گروه سوم ترجمه با دلایل کلامی مربوط به عصمت انبیاء معارض است و با دلایل قرائی، نیز همخوانی ندارد کنار گذاشته می‌شود این نوشتار در راستای نقد ترجمه آیه ۱۱۰ سوره مبارکه یوسف به بررسی علت ترجمه به صورت مذکور نیز پرداخته است.

۱- مفهوم عبارت «ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا» از نظر مترجمان در آیه

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (یوسف، ۱۱۰).

در ترجمه این آیه چند برداشت از مترجمان وجود دارد که عبارتند از:

دسته اول ترجمه‌های فارسی: تکذیب شدن انبیاء به وسیله کفار یا مردم.

- تا چون که نومید شدند رسولان و دانستند که ایشان تکذیب کرده شدند (اشرفی تبریزی، ۲۴۸).

- چون پیامبران نومید شدند و چنان دانستند که آنها را تکذیب می‌کنند. (آیتی، ۲۴۸).

ترجمه های همسو با مورد اول به شرح ذیل است:

(اسفراینی، ۱۱۲۹/۳؛ امین، ۴۳۶/۶؛ پاینده، ۲۰۴؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۲۴۸؛ شعرانی، ۲۲۹؛ صادق نوبری، ۲۱۵/۱؛ صفارزاده، ۵۶۳؛ صفی علیشاه، ۳۷۵)؛ کاویانپور، ۲۴۸؛ مصباحزاده، ۲۴۸).

دسته دوم ترجمه های فارسی: گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته اند.

- تا آنجا که پیامبران از آنها مأیوس شدند و گمان بردند که به آنها دروغ گفته شده است. (ارفع، ۲۴۸).

- [قومشان] پنداشتند که به آنان دروغ گفته شده است. (انصاری، ۲۴۸).

ترجمه های همسو با مورد دوم به شرح ذیل است:

(انصاریان، ۲۴۸؛ برزی، ۲۴۸؛ بهرام پور، ۲۴۸؛ خواجوی، ۹۴؛ دهلوی، ۵۳۱؛ سراج، ۲۴۸؛ طاهری قزوینی، ۲۴۸؛ فولادوند، ۲۴۸؛ قرشی، ۱۸۲/۵؛ مترجمان، ۷۵۸/۳؛ مجتبوی، ۲۴۸؛ مشکینی، ۲۴۸؛ معزی، ۲۴۸؛ مکارم شیرازی، ۲۴۸؛ میبیدی، ۱۴۴/۵؛ نسفی، ۴۶۷/۱؛ یاسری، ۲۴۸).

دسته سوم ترجمه های فارسی: گمان انبیاء بر اینکه وعده خداوند خلاف خواهد شد.

- (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). (الهی قمشه‌ای، ۲۴۸).

آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا اینکه رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و گمان می کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده. (بروجردی، ۴۲۵).

- تا چون نومید شد پیغامبران و گمان بردند که ایشان هرآینه دروغ گفته شد، آمد ایشان را یاری ما. (بی نا، ۲۰۹).

دسته چهارم ترجمه های فارسی: گمان کافران بر اینکه که به پیامبران دروغ گفته شده است. (کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است. (فارسی، ۴۹۷).

۲- نقد ترجمه ها

برای نقد و بررسی هریک از ترجمه های مذکور ادله روایی، قرائی و تفسیری مطرح شده که به شرح ذیل است:

۱) بررسی مفهوم عبارت « ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا » با توجه به مباحث روایی

در روایات دو نظر متفاوت درباره مفهوم عبارت « ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا » بیان شده است:

۱- گمان بر تمثیل شیاطین به صورت ملائکه

عن ابی بصیر، عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله « حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا »، مخففه، قال: «ظنت الرسل ان الشیاطین تمثیل لهم علی صورہ الملائکہ؛ ابو بصیر از ابا عبد الله علیه السلام نقل می کند که درباره آیه « حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا »، اگر به صورت تخفیف خوانده شود چه معنایی دارد، فرمودند یعنی انبیا گمان بردند شیاطین به صورت ملائکه بر آنها پدیدار شده اند». (قمی، ۳۵۸/۱؛ بحرانی، ۲۷۶/۲؛ مجلسی، ۲۶۱/۱۸؛ قمی مشهدی، ۴۰۰/۶؛ موسوی دارابی، ۱۱۴/۲؛ شریف لاهیجی، ۵۶۹/۲)

اگر «کذبوا» به صورت معلوم باشد و ضمائر به رسولان ارجاع داده شود در برخی اخبار وارد شده که خداوند لحظه ای به مقدار یک چشم بر هم زدن یا کمتر، آن ها را به خودشان واگذار کرد تا این

که آن‌ها گمان کردند که در وعده یاری و وارد آمدن عذاب بر تکذیب کنندگان به آن‌ها دروغ گفته شده بدین نحو که گمان کردند که شیطان به صورت ملائکه وحی درآمده و اخبار یاری و عذاب را بر آن‌ها به دروغ گفته است. (بحرانی، ۳/ ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۸/ ۲۶۱؛ خانی و ریاضی، ۷/ ۵۹۶).

۲- گمان مردم بر دروغ بودن وعده پیامبران:

ابن بابویه، قال: حدثنا تمیم بن عبد الله بن تمیم القرشی (رضی الله عنه)، قال: حدثنی أبی، عن حمدان بن سلیمان النیسابوری، عن علی بن محمد بن الجهم، قال: حضرت مجلس المأمون و عنده الرضا علی بن موسی (علیه السلام)، فقال له المأمون: یا بن رسول الله، ألیس من قولک، إن الأنبیاء معصومون؟ قال: «بلی» و ذکر الحدیث إلى أن قال فیه: فقال المأمون لأبی الحسن (علیه السلام): فأخبرنی عن قول الله تعالی: حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا. قال الرضا (علیه السلام): «يقول الله تعالی حتی إذا استیأس الرسل من قومهم، و ظن قومهم أن الرسل قد کذبوا، جاء الرسل نصرنا؛ مأمون تفسیر این آیه را از حضرت رضا علیه السلام سؤال کرده است، حضرت در جواب فرمود: ضمیر جمع در «ظنوا» به کسانی که رسول برای ایشان مبعوث شده بود باز می‌گردد و اگر چه مرسل الیهم سابقاً ذکر نشده است اما می‌توان از لفظ رسل این مطلب را به دست آورد همچنین ضمیر «انهم» به رسل بر می‌گردد یعنی قوم گمان کردند که وعده انبیا دروغ بود ممکن است در ذهن مأمون چنین بود که رسل گمان کردند در وعده نصرت دروغ گفته شدند، و این قسمت شایسته شأن انبیا نیست». (بحرانی، ۳/ ۲۱۷؛ شریف لاهیجی، ۲/ ۵۷۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۶/ ۳۱۶-۳۱۵).

بررسی سند و متن حدیث موید ترجمه سوم

الف) بررسی سند

سلسله سند احادیث موید ترجمه سوم به شرح ذیل است:

علی بن ابراهیم قال: حدثنی أبی عن محمد بن أبی عمیر عن أبی بصیر عن أبی عبد الله (علیه السلام) قال: «و کلهم إلى أنفسهم، فظنوا أن الشیاطین قد تمثلت لهم فی صورة الملائکه» (قمی، ۳۵۸/۱؛ بحرانی، ۲۷۶/۲؛ مجلسی، ۲۶۱/۱۸)

عن ابن شعیب، عن أبی عبد الله (علیه السلام)، قال: «و کلهم الله إلى أنفسهم أقل من طرفه عین». (بحرانی، ۲۱۷/۳؛ مجلسی، ۲۶۱/۱۸)

این دو حدیث بخصوص مورد اول دور از ذهن است. (مجلسی، ۲۶۱/۱۸)
در کتب رجالی در ارتباط با راویان این احادیث به ترتیب چنین آمده است:

علی بن ابراهیم بن هاشم القمی: ثقة، ضابط، مورد اعتماد و راست عقیده است. (نجاشی، ۲۶۱؛ حلی، ۱۰۰)

ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق القمی: أصلش کوفی است وی به قم منتقل شد و اولین شخصی است که نشر حدیث کوفیین را منتشر ساخت.. (نجاشی، ۱۶)

محمد بن أبی عمیر غیر از محمد بن أبی عمیر زیاد بن عیسی است و وثاقتش ثابت نشده و مجهول می باشد. (خویی، ۴۱۵/۱۴-۴۳۵؛ الجواهری، ۴۸۷)

ابو بصیر: حماد بن عبدالله بن اسید الهروی است که در تفسیر قمی از ابی عبد الله علیه السلام روایت نقل نموده و ثقة است. (خویی، ۴۴/۲۱؛ الجواهری، ۶۸۶)

ابن شعیب: همه روایاتش از ابو عبدالله علیه السلام است و مجهول می باشد. (خویی، ۱۲۳۵؛ الجواهری، ۹)

آنچه در ارتباط با راویان این احادیث بدست آمد در مجموع بیانگر آن است که این دسته از احادیث قابل اعتنا نمی باشد زیرا گرچه برخی از افراد سلسله سند ثقه هستند اما در سلسله سند افراد مجهول یا راویانی که از ضعف نقل حدیث می کنند هم وجود دارند.

لازم به ذکر است که پس از بررسی منابع مختلف نهایتاً منبع این دو حدیث در همه کتب به تفسیر عیاشی و قمی می رسد که مختصر مطالبی درباره این تفاسیر بیان می شود:

تفسیر عیاشی تفسیری نفیس بوده که سخنان ائمه در آن گردآوری شده و همه روایات با سند آورده بوده است و تا پایان قرآن را نوشته اما این تفسیر به طور کامل به ما نرسیده است. برخی نیز از روی غفلت سندهای آن را حذف کرده و تنها به اولین راوی حدیث از امام اکتفا نموده است. (معرفت، ۱۷۷/۲)

تفسیر قمی از ابوالحسن علی ابن ابراهیم بن هاشم قمی از مشایخ بزرگ حدیث بوده است. وی ثقه، ضابط، مورد اعتماد و راست عقیده است. (نجاشی، ۲۶۱) پدرش نیز ثقه، ضابط و مورد اعتماد بوده است. (معرفت، ۱۸۳/۲).

علامه معاصر، سید موسی زنجانی، احتمال میدهد که راوی تفسیر معروف به تفسیر قمی، علی بن حاتم بن ابی حاتم قزوینی است که همواره از ضعف (راویان ضعیف و غیر موثق) روایت می کند. (معرفت، ۱۸۴/۲) باری این تفسیر آمیخته ای است از تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و تفسیر ابی الجارود زیدی مذهب و روایات دیگران. لذا انتساب آن به علی ابن ابراهیم قمی قطعی نبوده و به هر حال فاقد اعتبار است. (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۸۴).

ب) بررسی متن

در بررسی متن این حدیث می توان به مبحث عصمت اشاره داشت زیرا متن این حدیث با مباحث عصمت انبیاء تنافی دارد.

از آنجایی که این نوشتار گنجایش مباحث مفصل کلامی را ندارد به اختصار می توان گفت: یکی از مباحث کلامی که با دلایل نقلی و عقلی اثبات شده است مبحث عصمت انبیاء است. «یجب فی النبّیّ، العصمه لیحصل الوثوق، فیحصل الغرض و لوجوب متابعته» (طوسی، ۲۱۳).

(نک کتابهای: صدوق، عیون اخبار الرضا، صدوق، الاعتقادات، حلی، نراقی، حسینی تهرانی، شبلی نعمانی، محمدی، لاهیجی، طیب) به نظر می رسد در رد ترجمه دسته سوم می توان به مفهوم شناسی عصمت اکتفا نمود و آن چنین است:

پیغمبر انسان کاملی است که خداوند برای تکمیل و راهنمایی بشر به طریق ثواب و راه معرفت و اطاعت و احتراز از معصیت و وادار نمودن آنان بآنچه صلاح دنیا و آخرت است و بازداشتن آنان از آنچه موجب زیان هر دو عالم می باشد و بیدار کردن آنها از خواب غفلت و رها نمودنشان از قید هوی و هوس و شهوت و بالجمله برای برخوردار نمودن بشر از سعادت دنیا و آخرت مبعوث میگرداند. بنابراین اگر گناه یا فعل قبیح و خلاف شریعت از پیغمبر صادر شود نقض غرض لازم آید زیرا وی مجری قانون الهی است و اگر خودش به قوانین عمل نکند نمی تواند از سایرین جلوگیری نماید و مخالفت وی با قانون موجب جرات دیگران بر نافرمانی بلکه عذر آنها می شود. (طیب، ۱۵۸) پس باتوجه به اینکه در تعریف عصمت می توان گفت: «عصمت عبارتست از آنچه انسان را از گناه و اشتباه مصون می دارد» (محمدی، ۱۷۱) و باتوجه به اینکه یاس از پروردگار در شمار گناهان کبیره قرار دارد و نص قران به این مطلب اذعان دارد که: «وَلَا تَيَاسُوا

مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷) نه تنها انبیاء که حتی مردم عادی هم از خدا نباید مایوس شوند زیرا خداوند متعال می فرماید: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ». (انعام، ۱۲۴) لذا ترجمه سوم کنار گذاشته می شود.

۲) بررسی مفهوم عبارت « ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا » با توجه به اختلاف قراءات

به طور کلی سه قرائت برای این آیه ذکر شده است:

قرائت اول: «کذبوا» به تخفیف و مجهول یعنی: گمان کردند که به پیامبران دروغ گفته شده است یعنی وعده الهی به فتح و ظفر و نصرت دروغ بوده است. اهل کوفه «کذبوا» را به تخفیف قرائت کرده‌اند. (ابن الجزری، ۳۳۳/۲؛ ابوزرع، ۳۶۶؛ طوسی، ۲۰۷/۶) و ابو جعفر «کذبوا» را به تخفیف و به صورت مجهول (بر طبق قرائت معروف) قرائت کرده‌اند، قرائت حضرت علی علیه السلام و امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق علیهم السلام و زید بن علی و جمع دیگری نیز همین است (طبرسی، ۴۱۳/۵-۴۱۲؛ مترجمان، ۳۱۲/۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۷۱/۱۱). در قرائت به تخفیف و مجهول اگر ظن به معنی یقین باشد و ضمائر به مرسل الیهم برگردد معنای آن چنین می شود: و رسولان یقین کردند که قطعاً به آنها دروغ گفته شده است یعنی قوم ایشان درباره ایمان آوردنشان به ایشان دروغ گفتند و ایمان نیاوردند لذا نصرت ما که نزول عذاب بر مکذبین قوم است، نازل شد؛ در این صورت معنای آیه منافات با عصمت نخواهد داشت (شریف لاهیجی، ۵۷۲/۲-۵۷۱).

قرائت دوم: «کذبوا» به تخفیف و معلوم یعنی قوم گمان کردند که انبیا دروغ گویند (ابن الجزری، ۶۷/۱؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۳۱۶/۶-۳۱۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۷۱/۱۱). قرائت ائمه علیهم السلام به تخفیف و معلوم است یعنی و مرسل الیهم گمان کردند حقیقتاً رسولان در آنچه ایشان را خبر داده بودند از نصرت دادن خدای تعالی، به ایشان دروغ گفته اند زیرا یاری خداوند شامل حال آنها نشده بود (مکی بن ابی طالب ۱۵/۲؛ شریف لاهیجی، ۵۷۲/۲-۵۷۱).

قرائت سوم: قرائت «کذبوا» به تشدید و مجهول یعنی شرایط به حدی رسید که پیغمبران از ایمان قوم به اخبار الهی ناامید شدند. وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا: و یقین کردند که تکذیب شده اند. (ابن الجزری، ۶۷/۱)

عایشه و حسن و عطا و زهری و قتاده «کذبوا» به تشدید و به صورت مجهول، قرائت کرده‌اند. و از ابن عباس و مجاهد نقل شده که «کذبوا» را به تخفیف و به صورت معلوم قرائت کرده‌اند (طبرسی فضل بن حسن، ۴۱۳/۵-۴۱۲؛ مترجمان، ۳۱۲/۱۲).

دلایل قرائات:

منابع احتجاج قرائات، استعمال این کلمه به صورت مشدد در این آیات را موید قرائت «کذبوا» به تشدید، دانسته اند: «فَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ» همچنین «فَكَذَّبُوا رَسُولِي» و «إِنَّا كَذَّبَ الرَّسُولَ» است. (مکی بن ابی طالب ۱۵/۲؛ ابوزرعه، ۳۶۷؛ طبرسی ۴۱۴/۵-۴۱۳). سیاق آیه نیز بر قرائت به تشدید دلالت می‌کند. (ابوالفتوح رازی، ۱۷۱/۱۱).

موید قرائت به تخفیف را نیز استعمال فعل به صورت مخفف در این آیه دانسته اند: «قَعَدَ الَّذِينَ كَذَّبُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» (ابوزرعه، ۳۶۶؛ طبرسی ۴۱۴/۵-۴۱۳).

شاطبی در قصیده حرز الامانی به این اختلاف مدکور اشاره کرده است:

و ثانی ننجی احذف و شدد و حرکا کذا نل و خفف کذبوا ثابتا تلا
(الشاطبی، ۱۰۵/۱).

همان طور که ملاحظه می‌نمایید اختلاف قرائت در کلمه «کذبوا» در این آیه دو گونه است، به تخفیف و به تشدید که هر کدام مفهومی را افاده می‌کند. قرائت به تخفیف به معنای دروغ گفتن و قرائت به تشدید به معنای تکذیب کردن است.

دانستیم که قرائت به تخفیف به معنای دروغ گفتن و قرائت به تشدید به معنای تکذیب نمودن است. اما این که چه کسی به چه کسی دروغ گفته یا چه کسی دیگری را تکذیب نموده، با توجه به اختلاف قرائت به دست نمی آید بلکه نیاز به بررسی مرجع ضمیر در «ظنوا» دارد. در اینجا به بررسی منقولات تفسیری در این باره می پردازیم.

۳) بررسی مفهوم عبارت « ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا » از نظر مفسران

۱- گمان مردم بر این که انبیاء به آنها دروغ گفته اند:

این نظر از گفته سعید بن جبیر و عبد الله عباس بدست می آید که امت پیامبران گمان بردند پیامبران در وعده نزول عذاب یا نصر و فتح به ایشان دروغ گفته اند. (ابوالفتح رازی، ۱۷۱/۱۱). گفته شده: ضحاک و سعید بن جبیر در مجلسی به هم رسیدند و در آن مجلس از سعید بن جبیر پرسیدند: این آیه را چگونه قرائت میکنی؟ وی (بر طبق قرائت مشهور) «کذبوا» به تخفیف خواند و چنین معنا کرد که: مردم گمان کردند که رسولان به آنها دروغ گفته اند. ضحاک که این معنی و قرائت را شنید گفت: چنین چیزی تا امروز نشنیده بودم و اگر برای فهم این مطلب به یمن رهسپار می شدم کار عجیبی نبود (طبرسی ۴۱۴/۵-۴۱۳).

تفاسیر همسو با مورد اول به شرح ذیل است: طوسی، ۲۰۸/۶؛ اندلسی، ۳۳۶؛ مترجمان، ۳۱۵/۱۲-۳۱۴؛ ابی زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، ۳۶۶-۳۶۷؛ مترجمان، ۲۵۳/۳؛ مصطفوی، ۱۲۱/۱۲؛ حسینی همدانی، ۱۴۹/۹

۲- تکذیب شدن انبیاء به وسیله کفار یا مردم:

در آیه «وَ ظُنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كَذَّبُوا» اگر «کذبوا» را به تشدید بخوانیم یعنی: رسولان یقین کردند و طبق قرائت مشهور (به تخفیف کذبوا) معنای آیه این طور می شود: مردم گمان کردند که رسولان به

آنها دروغ گفته‌اند که خبر از یاری مؤمنان و نابودی دشمنانشان داده بودند، و ممکن است طبق همین قرائت ضمیر «ظنوا» را به رسولان برگردانیم یعنی رسولان یقین کردند مردمی که به آنها وعده داده‌اند ما به شما ایمان می‌آوریم در اظهار ایمان خود دروغ می‌گویند. (طوسی، ۲۰۸/۶؛ طبرسی ۴۱۴/۵-۴۱۳).

تفاسیرهمسو با مورد دوم به شرح ذیل است: (اندلسی، ۳۳۶/۶؛ مترجمان، ۳۱۵/۱۲-۳۱۴؛ ابی زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، ۳۶۶-۳۶۷؛ نجفی خمینی، ۲۲۰/۸-۲۱۹؛ طیب، ۲۹۵/۷؛ قرشی، ۵/۱۸۸؛ خسروانی، ۴۴۳/۴؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۹۸/۱۰).

۳- گمان انبیاء بر اینکه وعده خداوند خلاف خواهد شد:

پیامبران بشر بودند و در سخت‌ترین حالات قرار می‌گرفتند و گویا تمام درها به روی آنها بسته می‌شد و هیچ راه گشایشی به نظر نمی‌رسید، و فریاد مؤمنانی که کاسه صبرشان لبریز شده بود مرتباً در گوش آنها نواخته می‌شد، در این حالت در یک لحظه ناپایدار به مقتضای طبع بشری این فکر، بی‌اختیار به مغز آنها می‌افتاد که نکند وعده پیروزی خلاف شود! و یا اینکه ممکن است وعده پیروزی مشروط به شرائطی باشد که حاصل نشده باشد، اما به زودی بر این فکر پیروز می‌شدند و آن را از صفحه خاطر دور می‌کردند و برق امید در دل آنها می‌درخشید (مکارم شیرازی و همکاران، ۹۹/۱۰).

ابن مسعود، ابن عباس و ابن جبیر ضمائر را به رسل برگردانده‌اند ولی عایشه این قرائت را با توجه به عظمت انبیاء رد نموده است. (اندلسی، ۳۳۶)

۴- گمان کافران مبنی بر این که به پیامبران دروغ گفته شده است:

کفار قوم گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است (طیب، ۲۹۴/۷).

مشرکان گمان بردند که انبیاء به خداوند دروغ بسته اند و خداوند آنها را نفرستاده و دستوری بر آنها نیامده است (اندلسی، ۳۳۶).

جمع بندی آراء و نظرات

با توجه به آنچه در بحث ترجمه و اختلاف قرائت و مباحث تفسیری آیه بیان شد، می‌توان:

۱. ناهماهنگی ترجمه های گروه اول و دوم را از اختلاف قرائت دانست اما به نظر می‌رسد ترجمه گروه سوم نادرست است و منشا قرائی ندارد که این اشتباه یا از غفلت مترجم در برداشت قرائی - ادبی آیه است و یا منظور مترجم، همان مقصود مترجمین گروه اول و دوم است اما کلمه مردم، قوم یا کافران را فراموش نموده‌اند. به عنوان مثال در ترجمه الهی قمشه‌ای آمده است: * (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) (الهی قمشه‌ای، ۲۴۸). به نظر می‌رسد با افزودن واژه [مردم] به ترجمه ایشان بتوان آن را ترمیم نمود: * (مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و [مردم] گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد). این ترجمه، توهم عدم عصمت و تصور این که انبیا وعده خداوند را دروغ و خلاف بیندارند از بین خواهد برد.

۲. همچنین ترجمه بروجردی و ترجمه قرن دهم هجری را که مترجم آن مجهول است، می‌توان این گونه اصلاح کرد:

آن قدر مردم نادان با انبیاء مخالفت و ضدیت نمودند تا این که رسولان ما ناامید و مأیوس گشته و [مردم] گمان می‌کردند که وعده نصرت و یاری ما دروغ و خلاف بوده (بروجردی، ۴۲۵).

* تا چون نومید شد پیغامبران و [مردم] گمان بردند که ایشان هرآینه دروغ گفته شد، آمد ایشان را یاری ما، پس رهانیده شد آنی که خواهیم. و بازگردانده نشود عذاب ما از گروه گناه‌کاران. (بی‌نا، ۲۰۹).

۳. اما دسته چهارم یا ترجمه جلال الدین فارسی نیز توجیه قرائی ندارد:

(کافران) گمان بردند که به ایشان (یعنی پیامبران) دروغ گفته شده است (فارسی، ۴۹۷).

گر چه محتوای کلی این ترجمه دربردارنده همان معانی پیشین است اما گویا این ترجمه از تفسیر المیزان چنین معنایی را استنباط نموده است. چون در این تفسیر چنین آمده است:

* مردم گمان کردند آن کس که به پیغمبرشان گفته عذابی چنین و چنان دارند دروغشان گفته (موسوی همدانی، ۳۸۰/۱۱).

۴. لازم به ذکر است که ترجمه فیض الاسلام هر دو معنای ناشی از اختلاف قرائت را بیان نموده، گویا وی به این نکته در ترجمه اش توجه داشته است:

* یقین و باور نمودند که کفار، ایشان را دروغگو دانند (یا کفار گمان کردند که پیغمبران «درباره مژده دادن بثواب و پاداش و ترساندن از عذاب و کیفر» با ایشان دروغ می‌گویند) فیض الاسلام، ۴۷۸/۲-۴۷۷).

نتایج مقاله

از بررسی، تحلیل و جمع‌بندی پیرامون آیه ۱۱۰ سوره یوسف نتایج زیر حاصل می‌گردد.

- ترجمه های موجود مبین چهار مفهوم برای این آیه هستند: ۱- تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم. ۲- گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته اند. ۳- گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد. ۴- گمان کافران مبنی بر این که به پیامبران دروغ گفته شده است.

- با توجه به آن چه بیان شد اختلاف قرائت در این آیه موجب ناهماهنگی ترجمه های گروه اول و دوم (تکذیب شدن انبیاء توسط کفار یا مردم و گمان مردم بر اینکه انبیاء به آنها دروغ گفته اند) شده است.

- ترجمه دسته سوم با دلایل روایی و قرائی ضعیف به نظر می رسد: الف) برای نقد روایت موید این ترجمه به بررسی سند و متن این روایت اشاره شده است: سند این روایت به خاطر راویان مجهول دارای ضعف است. ضعف متن این روایت به این علت است که در بردارنده استنباط عدم عصمت انبیاء است. ب) هیچ یک از اختلاف قرائات موجود در آیه مذکور، موید این ترجمه نیست.

- در پایان، آن چه از مطالب فوق به دست می آید این است که ترجمه دسته سوم یعنی «گمان انبیاء بر اینکه خداوند خلف وعده خواهد کرد.» متأثر از ساختار متن آیه و اختلاف در مرجع ضمیر «ظنوا» است بدین معنا که ارجاع ضمیر به رسل موجب چنین برداشت نادرستی شده است که ممکن است این اشتباه ناشی از غفلت مترجم در برداشت ادبی از آیه باشد.

کتابشناسی

۱. ابن الجزری، محمد، النشر فی القراءات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع - شیخ عموم المقاری: بالدیار المصریه، بی تا.
۲. ابو زرعه عبدالرحمن بن محمد بن زنجله، حجة القرائات، چ پنجم، تحقیق سعید الافغانی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۳۹۴ق.

۳. اسفراینی، ابو المظفر شاهفور بن طاهر، تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۵۷ش.
۴. امین، نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن. تهران: نهضت زنان، ۱۳۶۱ش.
۵. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۷. الجواهری، محمد، المفید من المعجم رجال الحدیث. چ دوم، قم: محلاتی، ۱۴۲۴ق.
۸. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، امام شناسی. چ سوم، مشهد: انتشارات علامه طباطبایی، ۱۴۲۶ق.
۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری. تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۱۰. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان. تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصه الاقوال. قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۲. همو، الالفین. قم: الموسسه الاسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۱۳. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی. تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۴. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث. قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۱۵. الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع. چ دوم، بیروت: دار النشر، ۱۴۰۴ق.
۱۶. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی؛
۱۷. الشاطبی، القاسم بن فیره بن خلف، حرز الأمانی ووجه التهانی فی القراءات السبع. بیروت: دار الكتاب النفیس، ۱۴۰۷ق.
۱۸. شبلی نعمانی، تاریخ علم کلام، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۶ش.

۱۹. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی. تحقیق میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۲۰. صدوق، ابوجعفر بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۲۱. همو، الاعتقادات، چ دوم، قم: الموتر العالمی للشیخ المفید، ۱۴۱۴ق.
۲۲. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۳. همو، (۱۳۷۷ش)، جوامع الجامع. تهران: دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء تراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۵. طوسی، نصیر الدین، تجرید الاعتقاد، بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۲۶. طیب، سید عبد الحسین، کلم الطیب در تقریر عقاید اسلام، چ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه اسلام، ۱۳۶۲ش.
۲۷. همو، أظیب البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران: اسلام، ۱۳۷۸ش.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران، چ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، ۱۳۶۷ش.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی: تهران، ۱۳۶۸ش.
۳۱. لاهیجی، فیاض، گوهر مراد. تهران: نشر سایه، ۱۳۸۳ش.
۳۲. مترجمان، ترجمه تفسیر طبری، چ دوم، تحقیق حبیب یغمایی، تهران: توس، ۱۳۵۶ش.
۳۳. مترجمان، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ش.

۳۴. مترجمان، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، چ دوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۳۶. محمدی، رضا، عصمت در قرآن، بینات، شماره ۴۱، صص ۱۶۷ تا ۱۹۹، ۱۳۸۳ش.
۳۷. محمدی، علی، شرح کشف المراد، چاپ چهارم، قم: دار الفکر، ۱۳۷۸ش.
۳۸. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۳۹. معرفت، هادی، تفسیر و مفسران، قم: موسسه التمهید، ۱۳۸۰ش.
۴۰. مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۴۱. ابن ابی طالب، مکی، الکشف عن وجوه قرائات السبع و عللها و حججها، چ دوم، تحقیق محیی الدین رمضان، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۱ق، ۱۹۸۱م
۴۲. موسوی دارابی، سید علی، نصوص فی علوم القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ش.
۴۳. میبدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار و عده الأبرار، چ پنجم، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: انتشارات جامعه مدرسین؛
۴۵. نراقی، ملا مهدی (۱۳۶۹). انیس الموحدین. تصحیح و تعلیق شهید آیت الله قاضی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الزهراء؛
۴۶. نسفی، ابو حفص نجم الدین محمد، تفسیر نسفی، چاپ سوم، تحقیق عزیز الله جوینی، تهران: سروش، ۱۳۶۷ش.
۴۷. نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ش.

ترجمه های قرآن

۱. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن کریم، چ چهارم، تهران: سروش، ۱۳۷۴ش.
۲. ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن کریم، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش.
۳. اشرفی تبریزی، محمود؛، ترجمه قرآن کریم، تهران: جاویدان، ۱۳۸۰ش.
۴. الهی قمشه ای، مهدی، ترجمه قرآن کریم، چ دوم، قم: فاطمه الزهراء، ۱۳۸۰ش.
۵. انصاری، مسعود، ترجمه قرآن کریم، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۷ش.
۶. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن کریم، قم: اسوه، ۱۳۸۳ش.
۷. برزی، اصغر، ترجمه قرآن کریم، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۸۲ش.
۸. بروجردی، سید محمد ابراهیم، ترجمه قرآن کریم، چ ششم، تهران: صدر، ۱۳۶۶ش.
۹. بهرام پور، ابو الفضل، ترجمه قرآن کریم، قم: هجرت، ۱۳۸۳ش.
۱۰. بی نا، ترجمه قرن دهم هجری، تهران، ۱۳۸۴ش.
۱۱. پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن کریم، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۲. پاینده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن کریم، بی جا، بی تا.
۱۳. حلبی، علی اصغر، ترجمه قرآن کریم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۰ش.
۱۴. خواجهوی، محمد، ترجمه قرآن کریم، تهران: مولی، ۱۴۱۰ق.
۱۵. دهلوی، شاه ولی الله، ترجمه قرآن کریم، مدینه: مجمع ملک فهد، ۱۴۱۷ق.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، ترجمه قرآن کریم، قم: دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
۱۷. خانی، رضا وحشمت الله ریاضی، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ش.
۱۸. رهنما، زین العابدین، ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: بی نا، ۱۳۴۶ش.

۱۹. سراج، رضا ، ترجمه قرآن کریم، تهران: سهامی انتشار، بی تا.
۲۰. شعرانی، ابوالحسن ، ترجمه قرآن کریم، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۲۱. صادق نوبری، عبدالمجید، ترجمه قرآن کریم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۹۶ق.
۲۲. صفارزاده، طاهره ، ترجمه قرآن کریم، چ دوم، تهران: رایانه کوثر، ۱۳۸۰ش.
۲۳. صفی علیشاه، حسن بن محمد باقر، تفسیر صفی، تهران: منوچهری، ۱۳۷۸ش.
۲۴. طاهری قزوینی، علی اکبر ، ترجمه قرآن کریم، تهران: قلم، ۱۳۸۰ش.
۲۵. فارسی، جلال الدین ، ترجمه قرآن کریم، تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۹ش.
۲۶. فولادوند، محمد مهدی ، ترجمه قرآن کریم، تحقیق هیئت علمی دار القرآن الکریم، تهران: دار القرآن، ۱۴۱۵ق.
۲۷. فیض الاسلام، سید علی نقی ، ترجمه قرآن کریم، تهران: فقیه، ۱۳۷۸ش.
۲۸. کاویانپور، احمد ، ترجمه قرآن کریم، چ سوم، تهران: اقبال، ۱۳۷۸ش.
۲۹. مجتوبی، سید جلال الدین ، ترجمه قرآن کریم، تهران: حکمت، ۱۳۷۱ش.
۳۰. مشکینی، علی ، ترجمه قرآن کریم، چ دوم، قم: الهادی، ۱۳۸۱ش.
۳۱. مصباحزاده، عباس ، ترجمه قرآن کریم، تهران: بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰ش.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر ، ترجمه قرآن کریم، قم: دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ش.
۳۳. معزی، محمد کاظم ، ترجمه قرآن کریم، قم: اسوه، ۱۳۸۲ش.
۳۴. موسوی همدانی، محمد باقر ، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴ش.
۳۵. یاسری، محمود ، ترجمه قرآن کریم، تحقیق: مهدی حائری تهرانی، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی(عج)، ۱۴۱۵ق.